

Research Article

Forbidding and Expanding the Principle of "Loss of Goods before Delivery" with the Approach of Buying in the Metaverse Space

Shaqayeq Amerian¹

Mostafa Keikha²

Abdolreza Mohammadhossein Zadeh³

Nader Mokhtari Afrakati⁴

Received: 11/04/2023

Accepted: 24/10/2023



Abstract

MetaVerse, or the metaverse, is a broad concept of the next generation internet with a three-dimensional and decentralized environment where individuals can engage in buying and selling digital assets through non-fungible tokens (NFTs) with full ownership, access services and products regardless of any licensing requirements. Given the political, economic, and sanction-related conditions that obstruct and prohibit the transfer of

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchistan University, Zahedan, Iran.

Email: shaghayegh.Amerian1647@gmail.com. ORCID: 0000-0001-6670-0243

2. PhD student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchistan University, Zahedan, Iran (Corresponding author).

Email: m.keikha.69@gmail.com. ORCID: 0000-0002-4949-9901

3. Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. Email: mhosseinzadeh@uk.ac.ir. ORCID: 0000-0002-6504-6525

4. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchistan University, Zahedan, Iran. Email: dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir. ORCID: 0009-0004-3307-6324

* Amerian, Sh., Keikha, M., Mohammadhossein Zadeh, A., & Mokhtari Afrakati, N. (1402). Forbidding and Expanding the Principle of "Loss of Goods before Delivery" with the Approach of Buying in the Metaverse Space. *Journal of Fiqh*, 30(115), pp. 42-69.

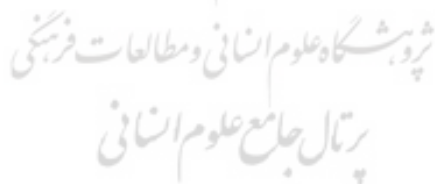
<https://doi.org/10.22081/jf.2023.66288.2638>.

● © Author (s).

any capital to the country, and considering the inherent nature of a sales contract where the transfer of ownership occurs simultaneously with the contract's conclusion, it raises questions. Firstly, can sanctions in this context be considered as destruction under the "destruction principle"? Secondly, how can the conditions for the realization of a sale, including the tangibility of the sold item and the practical manifestation of receipt, be justified in this context? This pioneering descriptive-analytical paper interprets and considers sanctions as an embodiment of the term "destruction" in the mentioned principle. It argues that coercive reconciliation and the causative agent of harm cannot be attributed to a specific person, thereby precluding the enforcement of compensatory measures and resulting in a nullified sale and damages incurred by the seller. Furthermore, in accordance with the content of the "destruction" principle, all the conditions for a valid sale exist within the MetaVerse, thus allowing for the extension of the "destruction" principle to the MetaVerse space.

Keywords

Virtual sanctions, virtual transactions, MetaVerse platform, destruction principle, coercive reconciliation.



مقاله پژوهشی

**تحریم و تسری قاعده «تلف مبیع قبل از قبض»
با رویکرد خرید در فضای متاورس**

شقایق عامریان^۱ مصطفی کیخا^۲ عبدالرضا محمدحسینزاده^۳ نادر مختاری افرکتی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

© Author (s)



چکیده

«متاورس» یا فراجهان، مفهومی گسترده از نسل بعدی اینترنت با محیطی سه بعدی و غیرمتمرکز است که افراد می توانند در کنار دارایی های دیجیتال به وسیله توکن های غیرمثلی، با مالکیت کامل، بازی کنند، خرید و فروش انجام دهند و فارغ از هرگونه کسب جواز، به صورت برون منطقه ای به خدمات و محصولات دسترسی داشته باشند. با این فرض و با توجه به شرایط سیاسی- اقتصادی و تحریمی که موجب انسداد و ممنوعیت انتقال هرگونه سرمایه به کشور می شود و از طرفی با توجه به تملیکی بودن عقد بیع که اثر آن، یعنی انتقال مالکیت، هم زمان و با انعقاد عقد حاصل می گردد، پرسش هایی را به ذهن متبادر می سازد که اولاً تحریم در این فضا می تواند به مثابه تلف در «قاعده تلف» قلمداد گردد؟ ثانیاً

۴۲



سال سی و سوم، شماره سوم، پیاپی ۱۱۵، پاییز ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. shaghayegh.Amerian1647@gmail.com. ORCID: 0000-0001-6670-0243
۲. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول). m.keikha.69@gmail.com. ORCID: 0000-0002-4949-9901
۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. mhosseinzadeh@uk.ac.ir. ORCID: 0000-0002-6504-6525
۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir. ORCID: 0009-0004-3307-6324

* **استاد به این مقاله:** عامریان، شقایق؛ کیخا، مصطفی؛ محمدحسینزاده، عبدالرضا و مختاری افرکتی، نادر. (۱۴۰۲). تحریم و تسری قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» با رویکرد خرید در فضای متاورس. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۵)، صص ۴۲-۶۹. <https://doi.org/10.22081/jf.2023.66288.2638>

دیگر شرایط تحقق بیع از جمله عینیت مبیع و مصداق عملی قبض در این فضا چگونه توجیه پذیر است؟ نوشتار توصیفی- تحلیلی پیشرو با ارائه و تحلیل قاعده تلف، تحریم‌ها را مصداق واژه تلف در قاعده مذکور می‌داند، به گونه‌ای که تألف قهری و عامل اضرار را معطوف به شخص خاصی نمی‌توان دانست تا در نتیجه او را به تأدیه اجبار کرد و در نتیجه بیع منفسخ و خسارت متوجه بایع خواهد بود؛ همچنین مطابق مفاد قاعده تلف، تمامی شرایط یک بیع صحیح در بستر متاورس، موجود است و می‌توان قاعده تلف را به فضای متاورس تسری داد.

کلیدواژه‌ها

تحریم مجازی، معاملات مجازی، بستر متاورس، قاعده تلف، تألف قهری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با افزایش فزاینده فناوری، معاملات وارد عرصه جدیدی از مبادله می‌شود. خرید و فروشی که در فضایی به نام «متاورس»^۱ انجام می‌گیرد، هیچ‌گونه وجود خارجی ندارد؛ اما قابلیت لمس از طریق همدست‌ها و دیگر ابزارهای تجسمی را دارد؛ از همین بابت آن را واقعیت مجازی^۲ نیز می‌نامند؛ همچنین قبض به معنای متعارف آن در این‌گونه معاملات تحقق نمی‌یابد. در این فضا، فرض این است که کاربر یا بازیگر هنگامی که از یک بازی NFT زمینی را خریداری می‌کند، می‌تواند آن را برای اهداف مختلف بسازد یا صرفاً برای اجاره دادن یا خرید و فروش به کار ببرد. حال از لحاظ حقوق و فقه اسلامی اصل اولی عدم تحقق و بطلان بیع در فضای متاورس به دلیل نبود خارجی مبیع و عدم امکان واقعی قبض و اقباض و عدم احراز مالکیت و عدم امکان فسخ معامله در این فضا است. از طرفی دیگر بیع در فضای مجازی با استناد به عموماً ادله‌ای چون «اوفوا بالعقود» و «احل الله البيع» و «المؤمنون عند شروطهم» و همچنین ترکیب دو عنصر اعتبار و اطمینان بین دو طرف معامله، مجزی خواهد بود. با توجه به این مقدمه می‌دانیم که کالا با خرید به ملکیت مشتری منتقل می‌شود؛ اما گاهی این کالا قبل از تسلیم و قبض توسط مشتری تلف می‌گردد. در این حالت بیع منحل شده و فروشنده ضامن استرداد ثمن می‌باشد. اکنون که با گسترش فزاینده فناوری، مردم می‌توانند به آسانی در فضایی مجازی، اما مشتبه به واقعیت با خارج از کشور خود به تبادل و تجارت پردازند؛ چیزی که در این خرید و فروش مسئله‌دار است، ایجاد قبض و اقباض و آثار مترتب بر آنهاست و اینکه اساساً طبق تعریف مشهور فقیهان از بیع، آیا به معنای واقعی تبادل کالا پیش می‌آید؟ پدیده تحریم به عنوان یک تألف قهری چه آثاری بر این بیع در فضای متاورس خواهد گذاشت؟ آیا قاعده تلف با توجه به جنبه مجازی بودن موضوع و بین‌المللی بودنش، سرایت می‌کند؟

1. Metaverse

2. Virtual Reality

گفتنی است از آنجایی که متاورس یک موضوع نوپدید است و اطلاعات کامل از جانب شرکت سازنده ارائه نشده است، منبع پژوهشی در این زمینه تاکنون منتشر نشده و از طرفی با توجه به اطلاعات موجود در این موضوع، متاورس همچنان در حال تکمیل و گسترش کیفیت است؛ بنابراین اطلاعات و منابع موجود در این پژوهش، مراجعه نویسندگان به خود فضای متاورس و فعالیت‌های موجود در آن است؛ همچنین آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار می‌گیرد، موضوعاتی است که اصول تغییرناپذیر در فضای متاورس قلمداد می‌شود.

۱. چیستی متاورس

متاورس از دو کلمه *متا*^۱ به معنی فراتر و *یونیورس*^۲ به معنی جهان، تشکیل شده است و به صورت کامل، واژه متاورس به معنای فراتر از جهان است؛ هرچند تاکنون تعریف دقیقی از این مفهوم بیان نشده است و منابع خبری شرکت ارائه‌کننده این پروژه تنها به بیان نام آن پرداخته است.

متاورس به عنوان یک پروژه بلاک چین عمومی و منبع باز معرفی می‌شود که هدف از آن ارائه زیرساخت اصلی برای اهداف اجتماعی و شرکتی و خصوصی است. هدف آن ایجاد جهانی است که در آن دارایی‌های دیجیتال (توکن هوشمند متاورس و توکن قابل شناسایی متاورس) و هویت‌های دیجیتال (آواتار) از تراکنش‌های دارایی از طریق یک واسطه ارزشمند (اوراکل) پشتیبانی کنند، متاورس مرحله جدیدی از اینترنت است که عامل ترکیب واقعیت افزوده (AR)، واقعیت توسعه‌یافته (XR) و واقعیت مجازی (VR) با دنیای فیزیکی ما خواهد بود. در حقیقت، متاورس نقطه اتصال زندگی واقعی و دیجیتالی است (<https://www.workplace.com/blog/how-we-work-in-the-metaverse>).

به عبارتی بهتر، قرار است متاورس دنیایی مجازی باشد که افراد می‌توانند با استفاده

1. Meta
2. Universe

از هدست‌های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده به صورت یک آواتار دیجیتال از طریق کار کردن، مسافرت یا حتی سرگرمی به وسیله هدست‌های VR به یکدیگر متصل شوند (<https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse>). ترکیب چندعنصری فناوری، از جمله واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و ویدئو باعث شده است که در آن کاربران در یک جهان دیجیتال زندگی کنند. کاربران این فضا می‌توانند در همه چیز از اجلاس‌های علمی و کاری گرفته تا بازی و ارتباط با دوستان شرکت کنند (<https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse>).

تخمین زده می‌شود پنج تا ده سال طول می‌کشد تا ویژگی‌های کلیدی متاورس به یک جریان اصلی تبدیل شود؛ اما جنبه‌هایی از متاورس در حال حاضر وجود دارد که تغییرناپذیر است؛ مانند سرعت پهنای باند فوق‌العاده سریع، هدست‌های واقعیت مجازی و دنیای آنلاین همیشه فعال و ...

مدیرعامل این پروژه می‌گوید: «متاورس یک اینترنت تجسم یافته است که به جای اینکه فقط محتوا را تماشا کنید، می‌توانید درون آن قرار بگیرید» (<https://www.makeuseof.com/metaverse-vs-virtual-reality>). هر چند ممکن است برای همه قابل دسترسی نباشد؛ به ویژه برای مردم ایران که اکنون با پدیده تحریم حداکثری مواجه‌اند. به هر حال آینده، متاورس را بیش از پیش درک خواهد کرد.

۲. ارزش دیجیتال و توکن غیرمثلی (NFT)

گفته شد که متاورس، جهانی است که قرار است کاربران در آن از کالاها و خدمات مختلفی بهره‌مند شوند. می‌توانند قرض بگیرند یا با وثیقه گذاشتن اثر هنری خود یا برند خود وام بگیرند و بسیاری از خرید و فروش‌های دیگر را انجام دهند. واضح است برای خرید در دنیای متاورس شما به ارز و توکن متاورس و یا به عبارتی کیف پول نیاز دارید. اگر زندگی در جهان متاورس همه گیر شود، این توکن‌ها بسیار ارزشمند خواهند شد (<https://dl.acm.org/doi/10.1145/769953.769967>). توکن‌های غیرمثلی (NFT) مالکیت کامل کاراکترها، آیتم‌های کسب‌شده در داخل بازی و حتی زمین‌های مجازی را به کاربران

می‌دهند. یک NFT از یک ملک مجازی ۲۵۹ پارسلی (واحد شمارش قطعه زمین) در دیسنترالند، به تازگی به قیمت بیش از ۹۰۰,۰۰۰ دلار، بزرگ‌ترین فروش تاریخ را رقم زده است و یا NFT از یک اثر هنری یا برند لباس دیجیتال و هر چیز دیگری بدون محدودیت (معاملات باز) به فروش می‌رسد. خرید لباس یا خانه یا تابلو نقاشی یا هر چیز دیگری که قیمت خرید آن مشخص و واضح برای همه است و به اشتراک تمام دنیا قرار می‌گیرد، نمونه‌ای از خرید و فروش در این دنیاست. در این بخش لازم است به معرفی چند توکن معروف و پرکاربرد بپردازیم.

۱-۲. دیسنترالند^۱

دیسنترالند یک پلتفرم واقعیت مجازی مبتنی بر بلاک‌چین است که در آن کاربران می‌توانند در حین بازی، ایجاد محتوا و تعامل با یکدیگر زمین بخرند، بفروشند و توسعه دهند. دیسنترالند بزرگ‌ترین جهان مجازی در فضای NFT است و به عنوان یک توکن تعویض ناپذیر ERC-71 به نام لند^۲ نشان داده می‌شود. هر قطعه زمین در دیسنترالند منحصر به فرد است و مالکان می‌توانند انتخاب کنند که با زمین خود چه کاری انجام دهند (<https://app-descentralend.com>). باید توجه شود که با بررسی نویسندگان، کاربران در این بستر می‌توانند زمین و یا هر محصولی را در پلتفرم خریداری کنند. این پلتفرم به شما امکان می‌دهد آیت‌های بازی‌ها را مبادله کنید و می‌توانید در حین بازی درآمد کسب کنید و حتی می‌توان محصولات درون بازی را معامله یا مبادله کرد.

۲-۲. سندباکس^۳

سندباکس نیز یک اپلیکیشن و در واقع، بازی غیر متمرکز است که بر بستر اتریوم ایجاد شده است و یک دنیای مجازی غیر متمرکز را اداره می‌کند. در هسته خود،

1. Decentraland
2. LAND
3. The Sandbox

سندباکس یکی از بهترین پروژه‌ها و بازی‌های متاورس است که در آن بازیکنان می‌توانند زمین‌های دیجیتالی با نام «LAND» را خریداری کنند. سپس فعالیت‌هایی در آنها داشته باشند و تغییراتی درونشان اعمال کنند (<https://sandbxx.cam>). افزون بر توکن‌های غیرمثلی، سندباکس دارای ارزهای دیجیتال بومی دیگری نیز هست. مهم‌ترین مورد توکن، سند است و برای تسهیل تراکنش‌های مختلف که بخشی از گیم پلی این بازی متاورس هستند، استفاده می‌شوند، برای نمونه باید به تعامل با محتوای تولیدشده توسط کاربران، خرید LAND و استیک کردن این ارز دیجیتال برای حمایت از پروژه متاورس سندباکس اشاره کرد (<https://sandbxx.cam>)^۱.

۳. اعمال و اجرای قاعده تلف از منظر بیع در بستر متاورس

خرید و فروش و معامله یکی از ارکان زندگی اجتماعی است و این موضوع تا جایی پیش می‌رود که گاه کالا را از شهر و کشوری با بعد مسافت بسیار می‌خرند و یا می‌فروشند. با این فرض بر اساس الزامات انجام تعهد، فروشنده آن را برای خریدار ارسال می‌کند و حتی به تحویل آن در محل اقامت متعهد می‌گردد و با انجام این امر، فروشنده از تعهد خود بری می‌گردد؛ اما گاه خریدار کالایی را در فضای متاورس که ترکیب واقعیت-مجازی است، می‌خرد؛ مانند زمین یا آیتم‌های بازی و یا دیگر خدمات پلتفرم‌های مجازی که هر یک دارای ارزش مالی و پولی هستند؛ درحالی که هیچ‌گونه شناختی از التزام فروشنده ندارد و همچنین کالای مورد نظر هیچ‌گونه عینیت و وجود خارجی نمی‌تواند داشته باشد. حال اگر پیش از تسلیم و قبض کالای خریداری‌شده از کاربر دیگر، کالا به واسطه تحریم مسدود و یا به اصطلاح بلاک شود، درحالی که ثمن کالا از توکن و کیف پول او در فضای متاورس کسر می‌شود، در این صورت قبض کالا در دنیای متاورس چگونه است؟ وضعیت معامله در این فرض چگونه خواهد بود؟ و آیا التزام و تضمین در این فضا وجود عملی دارد؟

۱. این امکانات و بیشتر را می‌توان در تارنمای اصلی این توکن ملاحظه کرد.

۳-۱. تلف شدن کالای خریداری شده پیش از تسلیم

در فقه امامیه و حقوق ایران در فرض تلف شدن کالا پیش از قبض مشتری به قاعده تلف استناد می‌شود و خسارت وارده به فروشنده معطوف می‌گردد؛ «کل مبیع تلف قبل قبضه من مال بايعه» (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰) و بر اساس ماده ۳۸۷ قانون مدنی که بیان می‌دارد: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بايع تلف شود، بيع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد کرد؛ مگر اینکه بايع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع کرده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری می‌باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۰۵)؛ بنابراین مطابق با این قاعده اگر پیش از تسلیم، کالای خریداری شده تلف شود، عقد و بيع منحل شده و فروشنده به استرداد عوض معامله (ثمن) ملزم می‌باشد. برای آگاهی از چگونگی اجرای این قاعده در معاملات متاورس در ذیل به تحلیل آن می‌پردازیم:

۳-۱-۱. بررسی تلف شدن کالای خریداری شده متأثر از قاعده

قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» که نشئت گرفته از فقه امامیه است، در حقوق ایران نیز به کار برده می‌شود و تلف کالای خریداری شده را می‌توان تحت این قاعده قرار داد. حال در جهت ادراک بهتر مسئله به تحلیل اصطلاح‌ها و عبارات قاعده می‌پردازیم. البته طبق قواعد و اصول، با انعقاد عقد بيع، مبیع به مالکیت مشتری در می‌آید و از طرف دیگر مقتضای ضمان معاوضی بر سلطه بايع و مشتری بر عوضین مورد معامله می‌باشد و حال با تلف شدن مبیع باید بررسی گردد که کدام قاعده را می‌توان اجرا کرد.

۳-۱-۲. واکاوی عبارت «تلف مبیع قبل از قبض» با رویکرد متاورسی

پرسشی که در این بحث مطرح می‌شود این است که منظور از مبیع در قاعده و انطباق آن بر بحث چگونه است؟ همچنین تلف در فضای متاورس مشمول چه اموری است و منظور از قبض و تسلیم در دنیای متاورس چیست؟

۳-۱-۲-۱. تنوع در مفهوم «مبیع» در قاعده

در قاعده پیش گفته به عبارت مبیع تصریح شده است. این واژه از دید لغت و مفهوم عرفی هیچ گونه ابهامی نداشته و مقصود از آن مثنی می‌باشد؛ اما باید روشن شود که شمول قاعده فقط نسبت به مبیع (مثنی) است یا مثنی را نیز شامل می‌گردد که در ادامه با عنوان «تلف مثنی» بررسی خواهد شد؛ ولی پرسش این است که منظور قاعده، کدام مبیع است؟ در اینجا اکثر فقیهان و حقوق‌دانان اتفاق بر مبیع معین و شخصی (که دارای وصف و جنس و مقدار بوده است و به طور کلی خصوصیات آن مشخص است)، دارند؛ زیرا انتقال معلق بر تعیین مصداق است (کاشف الغطاء، بی‌تا، ص ۲۳۰؛ انصاری، ۱۳۸۸، ج ۳ و ۱۹، ص ۲۷۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷). پرسش دوم این است که مقصود از مبیع در فضای متاورس کدام قسم از انواع مبیع است؟ آنچه واضح است اینکه خرید و بیع در بستر متاورس مانند دیگر خریدهای اینترنتی و مجازی تحقق پیدا می‌کند و می‌تواند مصداق حقیقی تعریف بیع، در نظر فقیهان «مبادله مال بمال» (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷) باشد؛ اما چیزی که بیشتر باید واکاوی شود، مسئله ارزش مالی مبیع و مالیت داشتن آن است. مبیع در متاورس اگرچه وجود خارجی و واقعی ندارد و اگرچه یک اعتبار، آن‌هم بدون پشتوانه محسوب می‌گردد، از آن جهت که در بستری مجازی و نه در واقعیت، مالیت و ارزش عرفی دارد و پشتوانه آن ضوابط و توکن‌های غیرمتلی خواهد بود و امکان مالکیت و قابلیت انتقال را دارد، می‌توانیم آن را به عنوان مبیع و مال در تعریف فقیهان از بیع قرار دهیم؛ همچنین از آن جهت که مبیع در بستر متاورس با توجه به پروتکل‌های عرفی این فضا، وصف و مقدار آن مشخص است، به‌طور قطع می‌توانیم بگوییم که چون خصوصیات متناسب با آن مشخص است، امکان غرر و اشتباه در آن به حداقل می‌رسد. در واقع مبیع معین و مشخص است، پس شامل کالا در متاورس خواهد بود. با این توضیحات، لفظ «مبیع» در این قاعده شامل کالای خریداری شده در بستر متاورس نیز خواهد شد.

۳-۲-۲. کاوشی در مضمون «تلف»

منظور از تلف، تلف قهری و سماوی (آسمانی) است؛ بدین معنا که کالا بر اثر زلزله، سیل یا آتش‌سوزی و در اثر هر حادثه دیگری بدون دخالت انسان تلف شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۷۷۳)؛ به عبارت بهتر نتوان مسئولیت و عامل اضرار را معطوف به شخص خاصی کرد تا او را به تأدیه اجبار کنیم؛ بنابراین در صورتی که تلف توسط بایع یا شخص ثالث و حتی مشتری صورت گیرد، در این حالت قاعده تلف جاری نخواهد بود. هر چند در صورتی که فروشنده، خریدار را در اتلاف فریب داده باشد و خریدار موجب تلف شود، در این حالت فروشنده سبب اقوی از مباشر بوده و فروشنده در برابر خریدار ضامن مثل یا قیمت میباید باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۹۹)؛ بنابراین ملاک در تلف قهری مورد توجه در قاعده، نیافتن عامل ضرر است و وجود عوامل طبیعی موضوعیتی ندارد. در موضوع مورد بحث نیز بستر متاورس به گونه‌ای است که ترکیب واقعیت در آن وجود دارد و امکان تلف از طرف شخص ثالث و دوطرف معامله حاصل می‌شود؛ به این معنا که اگر شرکت سازنده متاورس به عنوان شخص ثالث، در صورت صدمه زیرساختی و نرم‌افزاری متاورس موجب خسارت و تلف میباید گردد، مسلماً ضامن خواهد بود. و یا اگر یکی از دوطرف به واسطه اهمال در پروتکل و قواعد بازی موجب تلف میباید گردد، ضامن خواهد بود و این معنای تلف هم، در قاعده مذکور وارد نخواهد بود؛ اما اگر در متاورس که یک شبهه واقعیت است و سازوکارهای یک بازی در آن جریان دارد، بر اساس ساختار بازی یا نظام تحریمی موجود، موجب انسداد و مصادره کالا گردد، از آنجایی که نمی‌توانیم عامل ضرر را به شخص مشخصی معطوف بدانیم، می‌توان آن را مصداقی برای تلف مورد اشاره در قاعده بدانیم؛ در این صورت پیش از قبض مشتری، کالا تلف می‌شود. در این فرض قاعده تلف مشمول آن خواهد بود. جهت آشنایی با این ساختار و قواعد موجود بازی که موجب تلف کالا می‌شود، باید به سایت‌های بازی و فرایند موجود در آنها مراجعه کرد (<https://sandbxx.cam>).

۳-۲-۱-۳. ایجاد همبستگی «متا» نسبت به «تسلیم» و «قبض» مبیع

«قبض» در لغت به معنای استیلا بر شیء می‌باشد؛ یعنی کالا به گونه‌ای تحت سلطه قابض قرار گیرد که بتواند هر تصرفی بخواهد در آن انجام دهد. البته بر اساس اموال و کالاهای مختلف متفاوت است و بر این اساس ملاک تسلیم را با توجه به ماده ۳۶۹ قانون مدنی باید عرف دانست که بیان می‌دارد: «تسلیم به اختلاف مبیع، به کیفیات مختلفی است و باید به نحوی باشد که عرفاً آن را تسلیم گویند»؛ مثلاً در بیع غیرمنقول قبض و تسلیم با انتقال سند و تحویل کلید صورت می‌گیرد (قاسم‌زاده، ۱۳۴۲، ص ۹۰). در همین راستا ماده ۳۶۷ قانون مدنی نیز تسلیم را به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انواع تصرفات و انتفاعات باشد تعریف می‌کند و قبض را استیلاي مشتری بر مبیع می‌داند؛ بر این اساس در تحقق قبض و تسلیم لازم نیست که مشتری عملاً مبیع را در تصرف بگیرد، صرفاً مستولی شدن مشتری برای تحقق قبض کفایت می‌کند. البته مستولی شدن بدین معناست که مشتری بداند مالی که در تصرف داشته یا دارد، برای انتقال و به قصد بیع به او منتقل شده است؛ از این رو رکن اساسی تسلیم در اختیار نهادن و مستولی کردن بر کالا بوده است؛ به طوری که مشتری بتواند هر تصرفی را که می‌خواهد در کالا انجام دهد و قبض مادی وسیله عرفی و غلبه، تحقق بخشیدن به تسلیم می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۴۰)؛ بنابراین آنچه در بستر متاورس موجب مستولی شدن فرد بر کالا و در نتیجه تحقق قبض می‌گردد، جایگیری اطلاعات آن کالا در حساب شخصی یا همان توکن خواهد بود. عرف و عادت نیز ایجاب می‌کند که با جاب‌جایی این اطلاعات قبض محقق شده است. باید گفت با توجه به قبض و اقباض در بستر مجازی متاورس، مسئله محل قبض و اقباض و مسائل مترتب بر آن وارد در بحث نخواهد بود.

۳-۲-۱-۴. تبیین قلمرو مفهومی «من مال بایعه»

اشاره کردیم که در فقه امامیه و حقوق ایران در فرض تلف شدن کالا پیش از قبض، به قاعده «کل مبیع تلف قبل قبضه من مال بایعه» (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰) استناد می‌شود و خسارت وارده به فروشنده معطوف می‌گردد.

با بررسی اقوال مشهور و دکترین حقوقی در ذیل این عبارت از قاعده، دو احتمال وجود دارد:

الف) اینکه بگوییم تلف در مال بایع واقع شده است و ضمیر «هو» به تلف بر می‌گردد، به مجرد عقد که مبیع به ملکیت مشتری در می‌آید، پیش از تلف یا هم‌زمان با تلف، عقد نیز خود به خود منفسخ می‌شود (سبزواری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷۳).

ب) احتمال دیگر اینکه مبیع در ملک مشتری است؛ ولی خسارت و ضمان آن به عهده بایع می‌باشد. این احتمال خلاف ظاهر کلام است. البته اگر «علی بایعه»، در حدیث مذکور موجود می‌بود، ممکن بود که بگوییم فرض مزبور صحیح است؛ بنابراین معنای صحیح این است که در مال بایع تلف صورت گرفته و سبب انفساخ عقد نشده است و دلیل دال بر انفساخ عقد، عبارت مزبور «من مال بایعه» می‌باشد (بهرانی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۷۷).

با توجه به این توضیحات باید یادآور شد که بنا بر اوصاف کالای معین یا کالای کلی سفارش داده شده، وضعیت متفاوت می‌شود؛ بدین معنا که اگر کالا کلی بوده و در حین ارسال و پیش از تسلیم و قبض توسط خریدار تلف شود، بیع صحیح خواهد بود و صرفاً مالک ملزم به دادن نوع و مصداقی دیگر از کالای سفارش داده شده است؛ اما اگر یک کالا با مشخصات ویژه و انحصاری خریداری شده باشد و پیش از تسلیم و قبض توسط سفارش دهنده (مشتری) کالا تلف گردد، عقد بیع منفسخ و فروشنده باید ثمن داده شده را به مشتری مسترد کند؛ از این رو چون بستر متاورس با سازوکار واقعیت مجازی خودش امکان بیع مبیع کلی و معین را دارد و هنوز در حال تکمیل ویژگی‌های خودش می‌باشد، اگر کالای خریداری شده کلی باشد، بیع آن صحیح خواهد بود و اگر معین باشد، بیع باطل و عقد منفسخ می‌گردد و در نتیجه ثمن باید به مشتری بازگردد. این استرداد نیز ناشی از قاعده ضمان معاوضی است؛ بدین معنا که در صورت عدم تبادل عوضین و تلف شدن یکی از آنها، طرف دیگر معامله ملزم است عوضی را که دریافت کرده مسترد نماید؛ زیرا با عدم تبادل عوض و معوض هر یک از دو طرف، باید عوض دریافت شده را استرداد کنند (خدابخشی، ۱۳۹۱، ص ۳۰).

۳-۲. شمول یا عدم شمول قاعده در فرض تلف ثمن در فضای متاورس

پس از توضیح هر یک از واژگان قاعده تلف و شناخت تحریم به عنوان تلف قهری، این پرسش مطرح می‌شود که آیا با توجه به وجود تحریم‌های موجود علیه شهروندان ایرانی و محدودیت‌های تحریمی، در فضای متاورس، قاعده در مورد تلف ثمن یا اتلاف و یا اینکه پس از تسلیم و تحویل کالا به مشتری امکان اعمال قاعده تلف می‌باشد یا خیر؟

در پاسخ باید بگوییم که اگر خریداری که کالا را سفارش داده در قبال دریافت مبیع، ثمنی معین (ارز دیجیتال) به بایع ارسال کند و پیش از اینکه ثمن معین به بایع برسد (در توکن او مستقر گردد)، تلف شود، به عبارتی فیلترهای تحریمی آنها را مصادره نماید، نظر اکثر فقیهان بر جاری شدن قاعده تلف در مورد ثمن است و در نتیجه تلف پیش از تسلیم از مال بایع خواهد بود؛ به طوری که برخی از فقیهان بیان کرده‌اند که «تلف ثمن معین قبل از قبض مانند تلف مبیع معین می‌باشد» (انصاری، ۱۳۸۸ق، ج ۳ و ۱۹، ص ۲۷۹). آیت‌الله خوئی رحمته‌الله نیز با اشاره به این کلام شیخ انصاری (موسوی خوئی، ۱۳۷۸ق، ص ۶۰۵)، معتقد است که تفاوتی میان بیع با دیگر معاوضه‌ها وجود ندارد؛ زیرا در هر دو اینها سیره جاری است و غرض هم تنها داد و ستد می‌باشد و تسلیم و تسالم مکمل ملکیت خواهد بود؛ به گونه‌ای که عرف به اجمال این طور برداشت می‌کند که پیش از تسلیم و تسالم، ملکیت محقق نشده و بر این مبنا تلف پیش از تسلیم از مال بایع خواهد بود و مالکیت بدون تسلیم ناقص است؛ در نتیجه فرقی میان مبیع و ثمن و سایر معاوضه‌ها وجود ندارد؛ زیرا عرف میان این دو تفاوتی قائل نیست (موسوی خوئی، ۱۳۷۸ق، ص ۶۴۶).

در همین راستا بجنوردی رسیدن به نتیجه را تنها در توجه به مدرک قاعده می‌داند؛ بدین صورت که اگر مدرک قاعده تنها روایت باشد، قاعده مختص به بیع است و شامل دیگر معاوضه‌ها نمی‌گردد؛ زیرا عنوان بیع در روایت موضوع قرار گرفته است؛ اما اگر مدرک قاعده را اجماع بدانیم، باز هم اجرای آن در عموم معاوضه‌ها در نهایت دشواری است؛ زیرا اجماع دلیل است که باید به قدر متیقن آن اکتفا نماییم و اگر

مدرک قاعده سیره باشد، در این صورت می‌توان در همه معاوضه‌ها جاری دانست (بجنوردی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۸۱-۸۲).

باید یادآور شد که قاعده صرفاً بحث تلف را مطرح کرده است؛ حال سؤال مطرح می‌شود که اگر اتلاف در بستر واقعیت مجازی متاورس صورت گیرد، وضعیت معامله چگونه خواهد بود؟ در این مورد اکثر فقیهان و حقوق‌دانان اتفاق نظر داشته، بیان کرده‌اند که اتلاف از جانب مشتری یا بایع و شخص ثالث از حکم این قاعده خارج می‌باشد و موجب انفساخ عقد نمی‌شود؛ مثلاً کاربر فروشنده با توجه به بستر واقعیت مجازی متاورس، وقتی مبیع را در معرض تلف قرار دهد، عمل او تحت قاعده اتلاف قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اقدام به تعدی و تفریط و درنهایت نابودی مال دیگری کرده است؛ از این رو ضامن مثل یا قیمت آن خواهد بود و طبق پروتکل‌های بازی در هر یک از توکن‌ها می‌توان از تألف شکایت کرد و در مورد اتلاف توسط شخص ثالث در بازی و یا آسیب‌های زیرساختی - نرم‌افزاری متاورس، معامله باز هم منفسخ نمی‌شود و مشتری می‌تواند یا از باب تعذر تسلیم حق فسخ را اعمال کند یا عقد را تنفیذ و از باب اتلاف به ثالث رجوع کند (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۳۵)؛ اما اگر در همین صورت مال توسط شخصی در بازی پیش از قبض به سرقت رود و پروتکل‌های بازی و یا زیرساخت‌های نرم‌افزاری متاورس نتواند سارق را معین کند یا تحریم‌های بانکی پیش از قبض سرمایه را مسدود نماید، فقیهان این حالت را مانند تلف قهری دانسته و عقد را منفسخ و بایع را ضامن استرداد ثمن می‌دانند (قمی، بی‌تا، ص ۱۸۲).

۴. تعارض قاعده تلف با قاعده «التلف فی زمن الخيار ممن لا خيار له»

با توجه به ساختار کلی واقعیت مجازی متاورس و در حال تکمیل بودن این پروژه طی پنج تا ده سال آینده (<https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse>) و نبود اطلاعات کافی از این بستر، یکی از موضوعاتی که چه‌بسا در این فضا مطرح گردد، تعارض دو قاعده فقهی در یک موضوع و فقره مشترک است؛ به عبارتی اگر مبیعی (بنابر آنچه در متاورس ممکن است وجود داشته باشد)، فرصت و خيار در معامله را به

بایع بدهد؛ یعنی بایع ذوالخیار باشد و کالا تلف گردد، طبق این قاعده ضامن کسی است که ذوالخیار نیست؛ یعنی همان مشتری با این فرض اگر هر دو قاعده در مصداقی اشتراک پیدا کنند، مثل اینکه بایع ذوالخیار باشد و مبیع در زمان خیار توسط مشتری تلف گردد، اگر به مقتضای قاعده «التلف فی زمن الخیار...» عمل کنیم، تلف به حساب مشتری است و اگر به مقتضای قاعده «تلف المبیع قبل قبضه...» عمل کنیم، تلف به حساب بایع است. حال به کدام قاعده باید عمل کرد و چگونه باید حل تعارض کرد؟ آنچه به نظر می‌رسد چون مرجحی در بین نیست، بر مبنای طریقت و کاشفیت، هر دو قاعده تساقط می‌کنند و به اصول عملی باید رجوع کرد؛ مگر اینکه دلیل و اماره خاصی وجود داشته باشد. بجنوردی نسبت بین دو قاعده را عموم و خصوص من وجه نمی‌داند؛ زیرا مجرای قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» پیش از قبض دادن مبیع است و مجرای قاعده «تلف المبیع فی زمن الخیار»، بعد از قبض است، پس با هم تعارضی ندارند (بجنوردی، ۱۳۸۸، صص ۸۱-۸۲). گفتنی است اگر بر مبنای بجنوردی، دلیل قاعده «تلف المبیع فی زمن الخیار...» را بنای عقلاً بدانیم، بی‌شک فرموده ایشان صحیح خواهد بود و قاعده «تلف المبیع فی زمن الخیار...» مختص به جایی می‌باشد که بیع مستحکم و ثابت شده باشد و بیع هم پس از قبض مسلماً استحکام پیدا کرده است (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۵۲۴). به همین جهت بجنوردی معتقد است که قاعده «تلف المبیع قبل القبض» جلوی جریان قاعده دیگر را می‌گیرد؛ خواه به نحو ورود و خواه به نحو حکومت و یا به نحو تخصیص (بجنوردی، ۱۳۸۸، ص ۷۰).

بنابراین اگر پیش از قبض، مبیع تلف گردد، به سبب جریان قاعده اول، موضوع قاعده دوم به عمد مرفوع می‌شود؛ زیرا به محض تلف، لحظه‌ای پیش از تلف، مبیع در ملکیت بایع تلف می‌گردد و گویا که از مال او تلف صورت گرفته است و موضوعی برای قاعده دوم باقی نمی‌ماند؛ زیرا عقدی محقق نشده است. این معنا ورود است یا به گفته بجنوردی انحلال عقد تکوینی است، با توجه به مبنای ایشان که مدرک را بنای عقلاً می‌داند، پس مورد بحث تخصصاً خارج است (بجنوردی، ۱۳۸۸، ص ۷۰).

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که قاعده «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بایعه»؛

اولاً مستندات آن روایات، اجماع، بنای عقلا و سیره مسلمانان است (ر.ک: بجنوردی، ۱۳۸۸، صص ۸۱-۸۲).

ثانیاً با توجه به اینکه اصل قاعده، استثنایی بر قواعد کلی معاملات است و مناط و ملاک در استثنای کامل بودن، معامله است و عقلا نیز عدم تسلیم مبیع را در معاملات موجب فقدان استقرار کامل دانسته‌اند، این ملاک در تمامی معاوضات جریان خواهد داشت.

ثالثاً از باب تنقیح مناط یا الغای خصوصیت در قاعده، همان‌طور که انفساخ عقد قبل از تسلیم مبیع با تلف آن جریان دارد، این حکم نسبت به ثمن نیز با استفاده از همین تنقیح مناط یا الغای خصوصیت جاری خواهد بود.

رابعاً با وجود قاعده موصوف، جریان قواعد دیگر خواه به نحو ورود و خواه به نحو حکومت و خواه به نحو تخصیص، قطع می‌شود.

خامساً در صورتی که تلف توسط بایع یا شخص ثالث باشد، بیع منفسخ می‌شود و اگر توسط مشتری صورت بگیرد، در حکم قبض می‌باشد و بیع محقق می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۸).

۵. تسلط یکی از متعاملین بر نمائات و منافع حاصل از عقد

از آنجایی که متاورس یک پدیده نوظهور واقعیت مجازی است و تب شرکت و سرمایه‌گذاری در آن بسیار بالاست، همین امر و عوامل دیگر موجب شده است که سود و منفعت یک کالا در لحظه بالا رود، پرسشی که در این مورد مطرح است اینکه سود و منافع حاصل در حد فاصل میان انجام دادن یک معامله و تلف آن پیش از قبض از آن چه کسی است؟ بایع یا مشتری؟

همان‌طور که می‌دانیم انتقال به وسیله عقد حاصل می‌گردد؛ از این رو باید بگوییم که نمائات حاصل در فاصله میان عقد و تلف از آن مشتری است و فقط اصل کالای فروخته شده قبل از تحقق قبض، در صورت تلف از مال بایع تلف می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۴)؛ بر این اساس گاه مشتری بدون آنکه چیزی به بایع پرداخت کرده باشد،

مالك منافع مبيع می‌گردد؛ مثل آنکه مشتری در بازی روبلوکس^۱ زمینی را به قیمت صد هزار دلار به صورت نسیه می‌خرد با این قرار که چند ساعت یا روز دیگر برج ۲۰ طبقه‌ای در آن زمین تحویل بگیرد (https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse) و ثمن را پرداخت کند. حال اگر در طی این مدت زمانی، ارزش زمین چند برابر شود و از طرفی تحریم‌های ثانویه آمریکا موجب جلوگیری بایع از ساخت خانه در آن زمین شود، در این فرض مشتری، مالک تمام سود و نمائات زمین خواهد بود؛ درحالی که ملزم به پرداخت قیمت منافع مزبور هم نخواهد بود. توجیه این حکم روشن است: منافع زمین در زمانی موجود شده‌اند که اصل زمین ملک مشتری بوده و بنابراین منافع در ملکیت مشتری به وجود آمده‌اند و تلف اصل معامله، یعنی ملکیت مبيع را منفسخ کرده است؛ اما اثری بر منافع ندارد. نمائات منفسصل مبيع نیز پیش از قبض در دست بایع امانت است و چنانچه بدون تعدی و تفریط در دست او تلف شود، ضمانی بر عهده بایع نخواهد بود؛ زیرا ید او از مصادیق ید امانی است، ولی در فرض تقصیر و یا اهمال، بایع به موجب قواعد ضمان قهری ضامن خواهد بود (بجنوردی، ۱۳۸۸، ص ۷۴؛ انصاری، ۱۳۸۸، ج ۳ و ۱۹، ص ۲۷۰).

۶. مهندسی تلف مبيع پس از قبض با راهبرد متاورسی

با توجه به اطلاعات حداقلی در مورد قوانین و دستورعمل‌های بازی در بستر متاورس، اگر مال به قبض مشتری درآید، یعنی اطلاعات کالای خریداری شده در سبد خرید مشتری قرار گیرد، دیگر بحث ضمان بایع در صورت تلف شدن مطرح نمی‌شود؛ اما اگر این تلف در زمان خیار مشتری (خیار فسخ و شرط) حادث شود، البته اگر چنین قوانینی در بستر متاورس فراهم باشد، نظر اکثر فقیهان و حقوق‌دانان بر جاری شدن قاعده و انفساخ عقد و مسئولیت بایع در استرداد ثمن می‌باشد (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۴۱۷؛ کیانوری، ۱۳۴۲، ص ۱۳۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ص ۶۶). این امر که بایع پس از تسلیم ضامن نمی‌باشد، در فرضی بود

1. Roblox

که با بایع با قبض و سپردن تعهد خود را انجام داده است و دیگر مسئولیتی ندارد و ائتلاف توسط خود مشتری پس از قبض تأثیری در انحلال عقد نداشته است؛ زیرا دیگر عقد به طور کامل و با تمام اجزا واقع شده است و مشتری حقی بر بایع ندارد. توجه به این نکته نیز ارزشمند است که اگر بایع در فضای متاورس ثمن را دریافت کند، به طوری که ثمن از کیف پول مشتری خارج شود و در کیف پول بایع ثبت گردد، درحالی که بایع کالای مورد نظر را ارسال ن کند و الزام او نیز به انجام دادن تعهد ممکن نباشد، در اینجا مشتری می تواند معامله را فسخ کند و اگر خسارتی به او وارد شده باشد، بر مبنای قاعده تسبیب از بایع مطالبه خسارت نماید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۸۵؛ بحرانی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۷۷؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱). در اینجا باز هم تکرار می کنیم که تمامی این فرض ها در صورتی است که دستورعمل های پردازنده دنیای متاورس بر این قواعد استوار باشد، در غیر این صورت این مباحث تنها یک فرض خواهد بود.

۷. اعمال قاعده در حقوق بین الملل و دیگر معاملات

گفتیم که قاعده تلف مبیع پیش از قبض در فقه امامیه و حقوق ایران بحث شده و در موارد خاص اجرا می شود؛ اما مسئله این است که آیا در حقوق بین الملل نیز امکان اعمال این قاعده در صورت وقوع شرایط آن وجود دارد یا خیر؟

۷-۱. اجرای قاعده در حقوق بین الملل

هر چند قاعده مورد نظر برگرفته از فقه امامیه می باشد، می توان در حقوق بین الملل نیز شرایط و قواعدی را یافت که به نوعی به این قاعده شباهت دارد. در این خصوص می توان به حقوق فرانسه و کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ اشاره کرد. بر اساس حقوق فرانسه که برگرفته از حقوق روم می باشد و نظر حقوق دانان فرانسوی بر این بوده است که مبیع در اثر انعقاد عقد و توافق دوطرف به خریدار منتقل شده و همراه با این انتقال ضمان معاوضی نیز منتقل می شود و پس از عقد تا زمان تسلیم مبیع به خریدار، فروشنده امین مالک (خریدار) خواهد بود و صرفاً در صورت تعدی و تفریط مسئول است و ضامن

استرداد ثمن به مشتری می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵)؛ همچنین در کنوانسیون بیع ۱۹۶۴م، در مورد خرید و فروش اموال منقول مطابق با نظریه فقها، تلف مبیع یا کالای فروخته‌شده را پیش از قبض توسط مشتری سبب انفساخ عقد بیع می‌دانند (میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹؛ نهرینی، ۱۳۸۵، ص ۴۹).

۲-۷. اعمال قاعده در دیگر معاملات و معاوضه‌ها مانند اجاره

بحث دیگر این است که با توجه به اطلاعات داده‌شده توسط مدیر رسمی شرکت سازنده متاورس در مورد اینکه به‌زودی امکان انجام‌دادن دیگر معاوضه‌ها از جمله اجاره نیز در متاورس امکان‌پذیر است، آیا قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» در دیگر معاوضه‌ها مانند اجاره یا معاوضه و موارد مشابه اجرا می‌شود؟ بدین معنا که اگر کاربری مال یا زمین یا خانه‌ای را در متاورس اجاره کند و پیش از دریافت مورد اجاره تلف شود، عقد منحل می‌شود یا خیر؟

در بررسی بین نظرات فقیهان و حقوق‌دانان این مورد میان آنها مسکوت مانده است و برخی فقیهان به عدم تسری آن به دیگر معاوضه‌ها قائل شده‌اند و بیان کرده‌اند که این قاعده اختصاص به بیع داشته و الغای خصوصیت ممکن نیست و به دلیل استثنا و خلاف اصول و قواعد بودن حکم فوق، نمی‌تواند حکم مزبور را به دیگر معاوضه‌ها نیز تسری داد (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۵). در مقابل نظریه فوق، برخی از فقیهان قائل‌اند که حکم قاعده، خلاف اصل نبوده و در دیگر معاوضه‌ها نیز قابل اجرا می‌باشد و استدلال کرده‌اند که مقتضای معاوضه این است که هر یک از دو طرف قرارداد آن چیزی را که بر آن سلطه دارند، تحت اختیار طرف مقابل قرار دهند و از این‌رو مفاد عقد از متعاقدين می‌خواهد که پس از تحقق عقد آنچه را که بر عهده آنها ثابت شده است ایفا کرده و عوض را تسلیم کنند تا مسلط‌شدن واقعی مشتری محقق گردد؛ از این‌رو وجوب تسلیم صرفاً از خصوصیات و مقتضیات عقد به حساب می‌آید و هر یک از متعاقدين می‌توانند تا زمانی که عوض را دریافت نکرده‌اند، معوض را تسلیم نکنند؛ زیرا هدف از

عقد صرف انتقال مالکیت نیست، بلکه مسلط شدن بر آن نیز ملاک می‌باشد و متعاقدین ملتزم هستند که در عالم اعتبار مال را به یکدیگر منتقل سازند و در عالم واقع نیز این التزام وجود دارد؛ بنابراین اگر امکان این تسلیم مال وجود نداشته باشد، عوض آن نیز از حالت مبادله‌ای خارج می‌شود؛ در این صورت عوض و معوض به مالکیت صاحبش بر می‌گردد و این معنای انفساخ است؛ زیرا بنابر مقتضای معاوضه، معوض در ملک کسی است که عوض وارد ملکیت او شده است و چون تلف مبیع مستلزم این است که هر ثمن و مضمن هر دو در ملک بائع جمع شوند، این امر بر خلاف معاوضه بوده و معاوضه منفسخ می‌شود و هر یک از معوضین به مالک اصلی باز می‌گردد (موسوی خوئی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳ و ۶، ص ۶۰۰؛ میر عبدالفتاح، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۷؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۳۲؛ بحر العلوم، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۰).

۳-۷. مبنای معاوضه بودن عقود و عدم حرمت ترافع نزد حکام جور

در خصوص معاملات و عقود در بستر مجازی با عنایت به بحث معاوضی بودن نباید تحریم و تلف، موجب برهم خوردن معاوضه و ضرر به طرف مقابل گردد. همان‌طور که در شریعت اسلام از وارد آمدن ضرر به هر مسلمان و هر انسانی نفی شده است: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»؛ به طوری که فقیهان می‌گویند هر حکم ضرری حتی اگر به ظاهر از احکام شرعی باشد، شرعیت نداشته و منتفی است (مشکینی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۳)؛ مثلاً اگر معامله‌ای غبنی و غری باشد، چون لزوم آن باعث ضرر بر مغبون است، این لزوم شرعی نیست و منتفی می‌شود؛ بنابراین معامله غبنی و غری، قابلیت فسخ دارد؛ همچنین وقتی گرفتن حق، بر ترافع به حکام جور متوقف باشد، به این معنا که ترافع را نزد کشورهایایی بپذیرد که عامل اعمال تحریم هستند و از طریق قوانین همان کشورها احقاق حق کنید و در صورت عدم ترافع باعث ضرر بر ذی‌حق شود، حرمت ترافع به حکام جور، به‌رغم اینکه مشروع و حکمی قرآنی است (نساء، ۶۰ و ۶۵)، منتفی می‌گردد و حرمت آن دیگر شرعیت نخواهد داشت (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۹، صص ۵۳۳-۵۳۴)؛ پس ارجاع دعوا به

دادگاه‌های کشورهای تحریم‌کننده و رعایت و استناد به قوانین آن کشورها در جهت رفع ضرر حرمت نخواهد داشت.

۷-۴. متاورس به مثابه یک جریان سرمایه‌داری

با توجه به اینکه جریان سرمایه‌داری به شکل نوین و با حمایت کشورهای توسعه‌طلب به مقتضیات زمان و مکان با شیوه‌های غیرمعارف به دنبال استثمار و بهره‌گیری از کشورها به ویژه کشورهای مسلمان و مخالف جریان آنان هستند، مانند دلاریزه کردن^۱ یا یکپارچگی دلار در تمامی معاملات دنیا که به نوعی استثمار غیرمستقیم به شمار می‌رود و خروج نقدینگی از کشور با توجه به شرایط نابسامان تورمی و به نوعی آسیب‌رساندن به اقتصاد کشور، توسط توکن‌های ساخته شده توسط شرکت‌های تحت نظر کشورهای توسعه‌طلب، موجب شده است که برخی فقیهان (https://iqna.ir/fa/news/4022882) با توجه به این مطالب به عدم جواز خرید و فروش به ویژه زمین در این بستر حکم دهند. نگاه غالب این فقیهان نگرانی از تسلط دشمنان بر کشورهای اسلامی است و معمولاً مستند آنان بر این حکم قاعده فقهی «نفی سیل» (بجنوردی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۴۹) و دیگر روایات (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۳) و آیات (نساء، ۱۴۱) دارای مضمون عدم تسلط بیگانگان بر مسلمانان است.

باید گفت نگاه فقیهان در این مسئله صائب و دقیق است و نباید از آن غافل شد. از طرفی دیگر دنیای متاورس امری مسلم و فراگیر است و نمی‌توان مانع از ورود آن شد و همچنین این فضا به رغم اهداف و امتیازات منفی، می‌تواند دارای شرایط مثبت و خوبی در جهت ارتقا و پیشرفت جوامع اسلامی شود با لحاظ تمام این شرایط می‌توان پیشنهاد کرد دولت و مسئولان پیش از فراگیری بستر متاورس و افزایش خرید و فروش در این فضا، به دنبال ساخت و بهره‌برداری سریع از توکن‌ها و ارزهای دیجیتال ایرانی، متناسب با این دنیای واقعیت - مجازی باشند تا به نوعی مانع از ایجاد فرضیه‌های پیش‌گفته و بهره‌مند از این ظرفیت شوند.

1. dollarization

نتیجه‌گیری

قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» یکی از مهم‌ترین موازین در رفع اختلافات در فضای واقعیت افزوده است. با توجه به شرایط تحریمی شدید علیه مردم کشورمان در معاملات تجاری بین‌المللی، بررسی تسری این قاعده در برخی معاملات موجود در متاورس، پاسخی بر اختلافات مبتلابه در این بستر است. مطابق مفاد این قاعده، چه این تلف بر اساس دستورعمل بازی باشد یا بر اساس موانع تحریمی، بیع منفسخ‌شده و خسارت متوجه بایع خواهد بود که لازم است ثمن را در صورت اخذ به مشتری بازگرداند؛ حتی اگر مالکیت مبیع به مشتری منتقل شده باشد؛ همچنین به لحاظ عرفی بودن قاعده مزبور و نشئت گرفتن آن از معاوضه‌ها، نه تنها می‌توان این قاعده را در ثمن اجرا کرد، بلکه در دیگر معاوضه‌ها نیز به کار برده می‌شود. از این حیث مدلول قاعده جزو قواعد عمومی می‌باشد و چون خریدار نتوانسته به کالای خود برسد، خلاف نظم عمومی، عدالت و عرف عقلا است که پول او و سرمایه‌اش نیز از بین برود؛ بنابراین تسری قاعده پیش‌گفته در معاملات بین‌المللی در بستر متاورس، می‌تواند مشمول ضمان معاوضی و البته معاوضی بودن معاملات، نظم عمومی، عرف عقلا و قاعده لاضرر باشد؛ به طوری که بتوان این حکم را در معاملاتی که دارای این شرایط هستند نیز جاری کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. انصاری، مرتضی. (۱۳۸۸). مکاسب (ج ۳ و ۱۹، چاپ بیستم). قم: انتشارات دارالفکر.
۲. بحر العلوم، محمد بن محمد تقی. (۱۴۱۹ق). بلغه الفقهیه (چاپ چهارم). قم: منشورات مکتبه الصادق.
۳. بحرانی، سید یوسف. (۱۳۸۷). حدائق الناضرة (ج ۱۹). قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۹). ترمینولوژی حقوق (چاپ بیست و دوم). تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. حر عاملی، شیخ. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، باب ده از ابواب اختیار (ج ۱۲). قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۶. حلی، علامه. (۱۴۲۰ق). تحریر احکام الشریعه علی مذهب الاعلمیه (ج ۲). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷. خدا بخشی، حسن. (۱۳۹۱). ضمان معاوضی و آثار آن در قاعده تلف مبیع قبل از قبض. پژوهش نامه فقه و حقوق، شماره ۱۰، ص ۳۰.
۸. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۶). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۰). کتاب البیع (ج ۵، چاپ دوم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. سبزواری، ملا محمد باقر. (۱۳۸۸). کفایه الاحکام (ج ۱). قم: مکتب النشر الاسلامی.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۴، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طباطبایی، سید علی. (بی تا). ریاض المسائل فی بیان الاحکام (چاپ سنگی، ج ۱). قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

۱۳. طوسی، ابوجعفرین محمدحسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي
۱۴. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۶ق). تحریر الروضه فی شرح اللمعه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۴۲). تأثیر متقابل عقد و قبض و تسلیم. دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۸۶، ص ۹۰.
۱۶. قمی، ابوالقاسم. (بی تا). جامع الشتات فی اجوبه السوالات. تهران: دارالطباعه سید مرتضی طهرانی.
۱۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها (ج ۲، چاپ پنجم). تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۱۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). قانون مدنی در نظر حقوقی کنونی (چاپ یازدهم). تهران: انتشارات میزان.
۱۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). حقوق مدنی، دوره عقود معین (معاملات معوض، عقود تملیکی) (ج ۱، چاپ دوازدهم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). اعمال حقوقی (قرارداد و ایقاع) (چاپ دوازدهم). تهران: سهامی انتشار.
۲۱. کاشف الغطاء، محمدحسین. (بی تا). تحریرالمجله (ج ۱). قم: مجمع العالی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۲۲. کیانوری، کمال‌الدین. (۱۳۴۲). تلف مبیع قبل از قبض و تلف مبیع در زمان خیار. مجله کانون و کلا، شماره ۸۶، صص ۱۲۷-۱۳۰.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۷). قواعد فقه (ج ۱، چاپ پانزدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۴. مراغی، میر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. مشکینی، علی. (۱۳۷۱). اصطلاحات الاصول (چاپ پنجم). قم: نشر الهادی.

۲۶. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). قواعد فقه (چاپ دوازدهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام. مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۷. موسوی خویی، ابوالقاسم. (۱۳۷۸). مصباح الفقاهه. قم: نشر الفقاهه.
۲۸. موسوی خویی، ابوالقاسم. (بی تا). مصباح الفقاهه (المکاسب) (ج ۲ و ۳ و ۶). قم: بی نا.
۲۹. میرزائزاد جویباری، اکبر. (۱۳۸۴). ناممکن شدن و مبیع و اعمال حق فسخ خریدار در بررسی تحلیلی کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ و حقوق ایران. مجله حقوقی بین المللی (معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری)، شماره ۳۳، صص ۲۷۵-۲۷۹.
۳۰. نجفی، سیدمحمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء اثرث الاعربی.
۳۱. نهرینی، فریدون. (۱۳۸۵). ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران. تهران: انتشارات گنج دانش.
۳۲. یزدی، محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). حاشیه مکاسب (ج ۲). قم: انتشارات اسماعیلیان.
33. <https://www.workplace.com/blog/how-we-work-in-the-metaverse>
34. <https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse-what-is-it-explained-facebook-microsoft-meta-vr/6337635001>
35. <https://www.makeuseof.com/metaverse-vs-virtual-reality>
36. <https://dl.acm.org/doi/10.1145/769953.769967>
37. <https://app-desentralend.com>
38. <https://sandbxx.cam>
39. <https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse-what-is-it-explained-facebook-microsoft-meta-vr/6337635001>
40. <https://iqna.ir/fa/news/4022882>

References

* Holy Quran

1. Ameli, Z. (1416 AH). *Tahreer al-Rawdah fi Sharh al-Lum'ah*. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]
2. Ansari, M. (1388 AP). *Mekasib* (20th ed., Vols. 3 & 19). Qom: Dar al-Fekr. [In Arabic]
3. Bahralulum, M. (1419 AH). *Balaghat al-Fiqhiyyah* (4th ed.). Qom: Manshoorat Maktabat al-Sadiq. [In Arabic]
4. Bahrani, S. Y. (1387 AP). *Hada'iq al-Nadhirah* (Vol. 19). Qom: Tabian Cultural and Information Institute. [In Arabic]
5. Hilli, A. (1420 AH). *Tahrir Ahkam al-Shari'ah 'ala Madhhab al-A'lamiah* (Vol. 2). Qom: Imam Sadegh. [In Arabic]
6. Hor Ameli, S. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'a, Bab 10, Ahkam al-Akhyaar* (Vol. 12). Qom: Aal-al Bayt. [In Arabic]
7. Jafari Langroudi, M. J. (1389 AP). *Terminology of Law* (22nd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
8. Kashf al-Ghata, M. H. (n.d.). *Tahrir al-Majaleh* (Vol. 1). Qom: Majma al-Ala'i li-l-Taqrīb bayn al-Madhahib al-Islamiyyah. [In Arabic]
9. Katouzian, N. (1381 AP). *Civil Law, Specific Contracts (Bilateral Transactions, Ownership Contracts)* (12th ed., Vol. 1). Tehran: Public Joint Stock Publishing Company. [In Persian]
10. Katouzian, N. (1386 AP). *Civil Law in the Perspective of Contemporary Jurisprudence* (11th ed.). Tehran: Mizan. [In Persian]
11. Katouzian, N. (1386 AP). *Legal Actions (Contracts and Termination)* (12th ed.). Tehran: Sahami. [In Persian]
12. Katouzian, N. (1389 AP). *Civil Law, General Principles of Contracts* (5th ed., Vol. 2). Tehran: Public Joint Stock Company of Publication in collaboration with Bahman Borna. [In Persian]
13. Khodabakhshi, H. (1391 AP). Mutual Guarantee and Its Implications in the Doctrine of Pre-Delivery Termination. *Fiqh and Law Research*, 10, p. 30. [In Persian]

14. Khomeini, S. R. (1380 AP). *Kitab al-Bay'* (2nd ed., Vol. 5). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
15. Khomeini, S. R. (1386 AP). *Tahrir al-Wasilah*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
16. Kianouri, K. (1342 AP). Loss of Goods Before Receipt and Loss of Goods at the Time of Selection. *Kanun va Vakil Magazine*, 86, pp. 127-130. [In Persian]
17. Maraghi, M. A. (1417 AH). *Al-Anawin Al-Fiqhiyyah* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
18. Meshkini, A. (1371 AP). *Estelahat Al-Usul* (5th ed.). Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
19. Mirzadeh Juybari, A. (1384 AP). Impossibility, Sale, and the Exercise of the Buyer's Right of Termination: An Analytical Study of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG) 1980 and Iranian Law. *International Legal Journal (Office of Legal Affairs and Parliamentary Affairs of the Presidential Office)*, 33, pp. 275-279. [In Persian]
20. Mohaqeq Damad, S. M. (1387 AP). *Principles of Jurisprudence* (15th ed., Vol). Tehran: Center for Islamic Sciences Publications. [In Persian]
21. Musavi Bojnourdi, S. M. (1388 AP). *Principles of Islamic Jurisprudence*. (12th ed.). Tehran: Institution for the Organization and Publication of Imam Khomeini's Works. Institution for Printing and Publishing Orooj. [In Persian]
22. Musavi Kho'i, A. (1378 AP). *Misbah al-Fuqaha*. Qom: al-Fuqaha. [In Arabic]
23. Musavi Kho'i, A. (n.d.). *Misbah al-Fuqaha (Al-Makasib)* (Vols. 2, 3 & 6). Qom: n.p. [In Arabic]
24. Nahreini, F. (1385 AP). *The Nature and Consequences of Contract Termination in Iranian Law*. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
25. Najafi, S. M. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'iy al-Islam*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
26. Qasemzadeh, S. M. (1342 AP). The Mutual Influence of Contract, Receipt, and Delivery. *Legal Judicial Perspectives*, 86, p. 90. [In Persian]

27. Qomi, A. (n.d.). *Jame al-Shtat fi Ajwibah al-Su'alat*. Tehran: Dar al-Tiba'ah Sayyid Morteza Tehrani. [In Arabic]
28. Sabzewari, M. (1388 AP). *Kefayat al-Ahkam* (Vol. 1). Qom: Maktab al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
29. Saduq, M. (1413 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (A.A. Ghaffari, Ed., 2nd ed., Vol. 4). Qom: Islamic Publication Office. [In Arabi]
30. Tabatabai, S. A. (n.d.). *Riyad al-Masabih fi Bayan al-Ahkam* (Vol. 1). Qom: Aal-al Bayt. [In Arabic]
31. Tusi, A. J. ibn M. H. (1407 AH). *Al-Khilaf*. Qom: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawzah al-'Ilmiyyah bi Qom, Islamic Publishing Office. [In Arabic]
32. Yazdi, M. K. (1421 AH). *Hashiyat al-Makasib* (Vol. 2). Qom: Ismailiyan [In Arabic]
33. <https://app-desentralend.com>
34. <https://dl.acm.org/doi/10.1145/769953.769967>
35. <https://iqna.ir/fa/news/4022882>
36. <https://sandbxx.com>
37. <https://www.makeuseof.com/metaverse-vs-virtual-reality>
38. <https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse-what-is-it-explained- facebook-microsoft-meta-vr/6337635001>
39. <https://www.usatoday.com/story/tech/2021/11/10/metaverse-what-is-it-explained- facebook-microsoft-meta-vr/6337635001>
40. <https://www.workplace.com/blog/how-we-work-in-the-metaverse>